

متن پرسش

سلام و عرض ارادت و توفیق روز افزون برای استاد گرامی و همه ی کسانی که در این جبهه فرهنگی فعالیت دارند. استاد دو سوال دارم اول اینکه نظرتان در مورد سخنران انقلابی (استاد احسان عبادی) چیه؟ و آیا اینکه در سخنرانی هایش بعضی از اساتید را تعریف و تمجید می‌کنند مثل رحیم پور ازغدی و بعضی اساتید را همینجور عیب و نقص هایشان را می‌گویند. مثل استاد پناهیان و رائفی پور و همیشه هم می‌گویند مبنای فکرتان را روی این اساتید نگذارید آیا این توصیه ها که می‌گن درسته؟ با تشکر دعای امام زمان بدرقه راهتان باشد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در این مورد که می‌فرمایید اطلاعی ندارم ولی آنچه برای ما مسلم است همه عزیزانی که در بستر اسلام و تشیع ذیل انقلاب و ولایت فقیه قرار دارند با همه تفاوت‌هایی که در بین‌شان هست، برای ما محترمند و وجود آن‌ها حکایت از سعه انقلاب دارد در چهره‌های مختلف. فراموش نفرمایید که انقلاب اسلامی راهی است به سوی اهدافی بلند و قدسی، حال هرکس در منزلت از منازل این راه حاضر است و در حال پیمودن بقیه راه است. بنده در عین ارادت بسیار به جناب استاد رحیم‌پور، در چهره اساتیدی همچون استاد پناهیان و استاد رائفی‌پور می‌بینم که به سوی کمالاتِ نهفته در انقلاب اسلامی در حرکت‌اند. چرا ما در امروز این عزیزان، فرداهایی که طلوع می‌کند را ننگریم؟ نظر شما را ذیلاً به روایت مشهور جناب مسروق جلب می‌کنم. موفق باشید

مَسْرُوقٍ قَالَ: دَخَلْتُ يَوْمَ عَرَفَةَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَ أَقْدَاحُ السَّوِيْقِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ بَيْنَ يَدَيْ أَصْحَابِهِ وَ الْمَصَاحِفُ فِي حُجُورِهِمْ وَ هُمْ يَنْتَظِرُونَ الْإِفْطَارَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَأَجَابَنِي فَخَرَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَ النَّاسُ يَدْخُلُونَ عَلَى مَوَائِدَ مَوْضُوعَةٍ عَلَيْهَا طَعَامٌ عَتِيدٌ [طعام عتید: معدّ حاضر (لسان العرب- عند- ج ۳ ص ۲۷۹)] فَيَأْكُلُونَ وَ يَحْمِلُونَ فَرَائِي وَ قَدْ تَغَيَّرْتُ فَقَالَ يَا مَسْرُوقُ لِمَ لَا تَأْكُلُ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي أَنَا صَائِمٌ وَ أَنَا أَذْكَرُ شَيْئاً فَقَالَ أَذْكَرُ مَا بَدَا لَكَ فَقُلْتُ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ تَكُونُوا مُخْتَلِفِينَ دَخَلْتُ عَلَى الْحُسَيْنِ عَ فَرَأَيْتَهُ يَنْتَظِرُ الْإِفْطَارَ وَ دَخَلْتُ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ عَلَى هَذِهِ الصِّفَةِ وَ الْحَالِ فَضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ يَا ابْنَ الْأَشْرَسِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَدَبَنَا لِسِيَاسَةِ الْأُمَّةِ وَ لَوْ اجْتَمَعْنَا عَلَى شَيْءٍ مَا وَسَعَكُمُ عَيْزُهُ إِنِّي أَفْطَرْتُ لِمُفْطِرِكُمْ وَ صَامَ أَخِي لِصَوَامِكُمْ» در روز عرفه بر امام حسین علیه السلام وارد شدم در حالیکه کاسه‌هایی از سوبق (غذایی خاص) در محضر امام و اصحاب ایشان بود و قرآن‌ها در

منزلشان بود و منتظر افطار بودند پس، در رابطه با مسأله ای از امام سؤال کردم و امام جوابم را دادند سپس خارج شدم و بر امام حسن علیه السلام وارد شدم درحالیکه در منزل ایشان سفرههایی که غذای آماده بر روی آنها گذاشته شده بود قرار داشت که مردم می آمدند و از این غذا می خوردند و با خود می بردند پس امام علیه السلام مرا دید و من دگرگون شدم سپس امام فرمودند ای مسروق چرا از غذا نمی خوری پس من گفتم ای آقای من، روزه هستم و من چیزی را به یاد می آورم پس امام فرمودند آنچه را که برایت ظاهر شده بیاد آور پس گفتم پناه می برم به خدا از اینکه شما مذهب و عقیده دیگری را اختیار کرده باشید. یعنی امام حسین (ع) روزه بود و شما مفطر هستی. امام حسن (ع) می فرماید: آیا نمی دانی که خدای متعال ما را برای تدبیر امور امت فراخوانده است؟ اگر ما یک روش را در پیش گیریم، آنگاه راه و روش دیگری برای شما جایز نخواهد بود. من افطار می کنم تا هر که خواست افطار کند و برادرم روزه می گیرد، تا هر کدامتان خواستید روزه بگیرید.